

تجربه می آموزد

هر کس که صادقانه علاقه به سرنوشت جنبش آزادیخواهانه در کشور ما دارد نمی تواند که در درجه اول علاقمند به جنبش **طبقه کارگر** ما نباشد. سالهای جهش، به علاوه سالهای ضد انقلاب، و رای تمام شکها، نشان داد که طبقه کارگر در **جلوی تمام** نیروهای آزادیخواه گام برمی دارد و بنابراین سرنوشت جنبش طبقه کارگر بطور نزدیکی با سرنوشت جنبشهای اجتماعی روسیه، بطور عموم، در هم بافته شده اند.

منحنی که جنبش **اعتصابی کارگران** را در هشت سال گذشته نشان می دهد در نظر بگیرید! و سعی کنید که منحنی ای مشابه که رشد و افت جنبشهای آزادیخواهانه تمام روسیه را بطور کلی در طول این سالها نشان می دهد رسم کنید. دو منحنی بطور کامل بر هم منطبق خواهند شد. رابطه نزدیک و تفکیک ناپذیر بین جنبش آزادیخواهانه بمثابة یک کل از یک طرف، و جنبش طبقه کارگر از طرف دیگر وجود دارد.

به آماري که راجع به جنبش اعتصابی در روسیه از سال ۱۹۰۵ وجود دارد توجه کنید.

سال	تعداد اعتصابات	تعداد اعتصاب کنندگان (به هزار)
۱۹۰۵	۱۳.۹۹۵	۲.۸۶۳
۱۹۰۶	۶.۱۱۴	۱.۱۰۸
۱۹۰۷	۳.۵۷۳	۷۴۰
۱۹۰۸	۸۹۲	۱۷۶
۱۹۰۹	۳۴۰	۶۴
۱۹۱۰	۲۲۲	۴۷
۱۹۱۱	۴۶۶	۱۰۵
۱۹۱۲	تخمیناً ۱.۵۰۰.۰۰۰ اعتصاب کننده (اقتصادی و سیاسی)	

مطمئناً این آمارها به روشنی هر چه تمام تر نشان می دهند که جنبشهای اعتصابی کارگران روسیه بهترین هواسنج کل مبارزه آزادیخواهانه سرتاسر کشور در روسیه است.

حدود سه میلیون اعتصاب کننده در سال اوجگیری جنبش (۱۹۰۵) وجود داشتند. در ۱۹۰۶ و ۱۹۰۷، جنبش دچار افت شد اما همچنان در سطح بالایی، بطور متوسط با یک میلیون نفر اعتصاب کننده ادامه یافت. آنگاه موج فروکش کرد و تا ۱۹۱۰ به سقوط خود ادامه داد. سال ۱۹۱۱ نقطه عطف بود، زیرا که منحنی شروع به صعود کرد، گرچه بطور بطي. سال ۱۹۱۲ یک جهش عمده به طرف بالا را نشان می دهد. منحنی با اطمینان و پیوستگی به سطح ۱۹۰۶ صعود می کند و به سطح سالی میل می کند که رقم اعتصاب کنندگان سه میلیون بود، و رکوردی **جهانی** ثبت کرد.

عصر جدیدی آمده است. شکی در این مطلب نیست. شروع سال ۱۹۱۳ بهترین شاهد آنست. **توده کارگران** از مسائل **جزئی** فردی به نقطه ای پیش می رود که مسائل **عمومی** را مطرح

خواهد کرد. توجه وسیع ترین توده‌ها اکنون متمرکز بر چیزی بیش از عیوب بخصوصی در زندگی روسی است. اکنون مسئلهٔ **تمامیت** این عیوب به عنوان یک کل مطرح است: اکنون مسئلهٔ یک تغییر مطرح است نه اصلاحات.

تجربه درس می آموزد. مبارزهٔ واقعی بهترین حلال دشواریهایی است که تا این اواخر چنین مورد مناقشه بودند. اکنون، بعد از ۱۹۱۲ به جدال ما دربارهٔ «کارزار عریضه» و شعار «آزادی اجتماعات» نظری بیافکنید. تجربه چه چیزی را نشان داده است؟

چنین معلوم شد که غیرممکن است که حتی چند ده هزار امضاء از کارگران برای عریضهٔ بسیار معتدلی جمع کرد. از طرف دیگر، واقعیت آنست که تنها اعتصابات سیاسی، یک میلیون کارگر را دربر گرفت. این حرف که شخص نباید از شعار «آزادی اجتماعات» فراتر رود، چون اگر چنین کاری بشود گویا توده‌ها حرف ما را نخواهند فهمید و از بسیج شدن خودداری خواهند کرد، نشان داده شد که چقدر بی معنی است و حرف بی اساس کسانی است که از واقعیات زندگی به دور هستند. لکن میلیونها تودهٔ واقعی زنده، دقیقاً به پشتیبانی از وسیع ترین فرمولها، که در عین حال قدیمی و غیرمحدود بودند، بسیج شدند. فقط این فرمولها بودند که توده‌ها را سرشار از حرارت کردند. بطور اقیانوس کننده‌ای نشان داده شده است که چه کسی واقعاً با توده‌ها به پیش می رفته است و چه کسی بدون آنها یا بر علیه آنها.

جنبش تازه، عظیم و قدرتمند توده‌ها خود فرمولهای مصنوعی را که در ادارات حکومت ساخته می شوند مثل آشغال بی ارزش به کناری انداخته و به پیش گام برمی دارد.

این آن چیزی است که اهمیت تاریخی جنبش بزرگی را که در جلوی چشمانمان جریان دارد تشکیل می دهد.

پراودا شمارهٔ ۱۵

۱۹ ژانویهٔ ۱۹۱۳

مجموعه آثار لنین، جلد ۱۸

کمونیستهای انقلابی

<http://www.k-en.com>

info@k-en.com